پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۳۵-۵۵ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 53, Autumn & Winter 2026/ 2027

گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات موصوف به «یهودیان امت اسلام» در منابع فریقین

میثم کهن‌ترابی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۰۲ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۱۵)

چکیده

در منابع شیعه و سنی روایاتی نقل شده است که در آنها گروه‌هایی که صاحب تفکری خاص هستند و یا مرتکب رفتاری خاص شده‌اند با وصف یهودیان امت اسلام معرفی شده‌اند. این روایات را به چهار دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: تارکان نماز جماعت، پیروان فرقه‌های خاص فکری، دشمنان خلفای راشدین و قاتلان ذریهٔ پیامبر. روایات مربوط به دو دستهٔ اول هم در منابع شیعه و هم سنی نقل شده است در حالی که روایات ناظر بر دستهٔ سوم مختص منابع اهل سنت و چهارم مختص منابع شیعه است این روایات غالباً در منابع متقدم نقل نشده و اکثر آنها فاقد سند است. روایاتی که سند دارد یا ساختگی است و یا سند مخدوش دارد اعم از اینکه راویان ضعیف در آن وجود دارد یا سند آن متصل نیست. به نظر می‌رسد این برچسب یعنی یهودیان امت اسلام توصیفی بوده که به جهت مفهوم شدیداً منفی آن برای طرد و رد مخالفان به کار می‌رفته و یا به عنوان ابزاری شدید برای پرهیزدادن مخاطب از انجام اعمالی چون ترک نماز جماعت مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با رویکردی انتقادی و بهره‌گیری از ابزار درایة الحدیثی و فقه الحدیثی پس از ارائهٔ اقسام این روایات در منابع شیعه و سنی، به اعتبارسنجی آنها نیز پرداخته است.

کلید واژه‌ها: یهودیان امت اسلام، تارکان نماز جماعت، قاتلان ذریهٔ پیامبر، دشمنان خلفای راشدین، مرجئه.

۱. دانشیار دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائنات، ایران؛ kohantorabi@buqaen.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

۱. مقدمه و بیان مسئله

اگرچه در قرآن و آن هم زمانی که سخن از اهل کتاب به صورت کلی مطرح است گاهی به نقاط مثبتی از آنها اشاره شده است از جمله اینکه برخی از آنها امانت‌دار هستند (آل‌عمران، ۶۴) اما در همین خطاب کلی غالباً اهل کتاب به جهت بازداشتن مردم از راه خدا (آل‌عمران، ۹۹)، کفر به آیات الهی (آل‌عمران، ۹۸)، تمایل به گمراه کردن مسلمانان (آل‌عمران، ۶۹) و پوشاندن حق با باطل (آل‌عمران، ۷۱) مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. در این میان، یهودیان با اوصافی چون قساوت قلب (البقره، ۷۴)، ثروت‌پرستی و مال‌اندوزی (البقره، ۹۶)، رباخواری (النساء، ۱۶۰ـ ۱۶۱)، لجاجت (البقره، ۵۹)، پیمان‌شکنی (البقره، ۸۳ ـ ۸۴)، ظلم و جنایت (آل‌عمران، ۲۱)، خودخواهی (المائده، ۱۸) توصیف شده‌اند. این ویژگی‌های نامطلوب موجب شده که قرآن آنها را بدترین دشمنانِ مؤمنان معرفی کند (المائده، ۸۲) در حالی که در همین آیه مسیحیان، نزدیک‌ترین دوستان مسلمانان در میان اهل کتاب توصیف شده‌اند.

این وصف و نیز عملکرد تاریخی یهودیان در تعامل با مسلمانان موجب شده که به عنوان گروهی معاند و لجوج شناخته شوند. بررسی منابع فریقین ما را با روایاتی مواجه می‌سازد که از یهودیان امت اسلام سخن گفته و افراد یا گروه‌هایی را با این وصف معرفی کرده‌اند. از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخ به این دو پرسش محوری است که اولاً روایاتی که حاوی این وصف هستند چه اقسامی دارد و ناظر بر چه باورها و رفتارهایی است و ثانیاً اینکه اعتبار سندی و محتوایی آنها چقدر است؟ در سطور پیش‌رو روایات مذکور پس از دسته‌بندی موضوعی با رعایت ترتیب تاریخی ذکر شده و پس از آن از منظر سندی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. اهمیت و ضرورت

به جهت سابقه تاریخی و پیشینه ذهنی که در مورد یهودیان وجود دارد این وصف یعنی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

یهودیان امت پیامبر می‌تواند بیانگر نهایت دوری آن افراد و یا گروه‌ها از اسلام باشد و به تبع آن مستحق طرد و لعن قرار گیرند حتی نقل شده است که منحرفان و مطرودان را در قبرستان یهودیان دفن می‌کردند چنانکه این اقدام در طول تاریخ اسلام برای برخی بزرگان نیز صورت گرفته است (عسقلانی، ۵۶۶/۱) و این نهایت انزجار از آنان را می‌رساند. آنچه قابل تأمل است اینکه این روایات علاوه بر اینکه در منابع متقدم و متأخر نقل نشده بلکه در منابع قرون میانه و متأخر نیز به‌ندرت ذکر و تکرار شده است اما به‌مراتب بیش از بسیاری از روایات معتبر و متکثر شهرت یافته است. از این رو و از آنجا که برخی از این روایات شهرت فراوانی در افواه پیدا کرده و در مواعظ و منابر مورد استفاده قرار می‌گیرد بررسی علمی آنها از منظر اعتبار و دلالت ضرورت دارد؛ چراکه بیان اوصافی این چنین غلیظ و شدید برای ترک افعال مستحبی چون نماز جماعت و انتساب آن به پیامبر(ص) آسیب‌های زیادی به‌دنبال دارد بدون در نظرگرفتن اینکه از چه اعتباری برخوردار است و یا اینکه ـ بر فرض اعتبار ـ ممکن است مخاطب خاصی در مقطع خاصی از حیات ایشان داشته باشد و تسری آن به همهٔ اعصار و ازمنه صحیح نیست. از طرفی دیگر اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی روایاتی از این دست می‌تواند موجب دفع برخی شبهات و اتهام‌ها به اسلام و سیرهٔ نبوی شود و از طرفی دیگر راه را برای طعن و طرد مخالفان با زدن برچسب‌های این‌چنین مسدود کند.

۳. پیشینهٔ پژوهش

روایاتی در کتب شیعه و سنی وجود دارد که در آن‌ها مرگی هم‌چون مرگ یهود و نصارا برای برخی مسلمانان گفته شده است. در بررسی این روایات مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عوامل سوءعاقبت در روایات امت یهودیا او نصرانیا» توسط حامد دژآباد، محمد احمدی و محمدعلی مجیدی کوهبنانی در شماره ۱۰ مجله مطالعات فهم حدیث (۱۴۰۲) منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله ضمن اینکه وجه مشترک تمامی این روایات را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

سوء عاقبت و گرفتارشدن به مرتبه‌ای از عقاب الهی می‌دانند و البته بیان می‌دارند که این مراتب متفاوت است به عوامل این سوء عاقبت اشاره می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از قتل مؤمن، ترک برخی فرائض، انکار امامت.

با این‌وجود بررسی نشان می‌دهد پژوهشی که به این دسته از روایات یعنی روایاتی که حاوی وصف یهودیان امت پیامبر(ص) هستند بپردازد تاکنون به انجام نرسیده است؛ رسالتی که این پژوهش به عهده گرفته است: احصای این روایات در منابع شیعه و سنی با بررسی تقدم تاریخی آن و سپس اعتبارسنجی سندی و محتوایی آن‌ها.

٤. روایات موصوف به یهودیان امت اسلام

در ادامه به دسته‌بندی موضوعی این روایات در منابع فریقین و بررسی اعتبار سندی و محتوایی آن‌ها پرداخته می‌شود.

٤ـ١. تارکان نماز جماعت

از جمله روایات منسوب به پیامبر که هم در برخی منابع شیعه و هم اهل سنت آمده، روایاتی است که در آن تارکان نماز جماعت توسط پیامبر به عنوان «یهودیان امت من» توصیف شده‌اند. عجلونی (درگذشته ۱۱۶۲ق) در *کشف الخفاء* در روایتی منسوب به پیامبر(ص) آورده است: «لا تسلموا علی یهود أمتی، قالوا: یا رسول الله ومن یهود أمتک؟ قال: الذین یترکون صلاة العصر مع الجماعة» (عجلونی، ۴۳۶/۲): به یهودیان امت من سلام نکنید. گفتند ای رسول خدا(ص) یهودیان امت تو چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که اقامة نماز عصر به جماعت را ترک می‌کنند. همین روایت را یک بار دیگر هم در همین کتاب نقل کرده است (عجلونی، ۳۵۵/۲).

همو در جای دیگری از همین کتاب این نقل را ذکر کرده است: «سلموا علی الیهود والنصاری ولا تسلموا علی یهود أمتی قیل ومن یهود أمتک قال تراک الصلاة» (عجلونی، ۴۵۵/۱)، به یهود و نصارا سلام کنید ولی به یهود امت من سلام نکنید. پرسیده شد: یهود

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

امت تو چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که نماز را ترک کرده‌اند.

تفاوت نقل دوم با اول علاوه بر تفاوت در آغاز آن، در این است که روایت دوم تارکان نماز را یهودیان امت پیامبر می‌خواند در حالی که روایت اول تارکان نماز جماعت را با این وصف معرفی می‌کند.

به‌رغم جستجو این روایت در منابع دیگر اهل سنت یافت نشد با این وجود اشاره‌ای به آن در یکی از کتب جلال الدین سیوطی (درگذشته ۹۱۱ق) ـ که در بخش بررسی اعتبار حدیث به آن خواهیم پرداخت ـ نشان می‌دهد این روایت در افواه شهرت داشته است.

براساس بررسی منابع شیعه، اولین ظهور این روایت درقرن هفتم بوده است. شعیری در کتاب *جامع الأخبار* روایتی نسبتاً طولانی به نقل از عبدالله بن مسعود به شرح ذیل نقل کرده است:

«رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَانِي جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ وَ عِزْرَائِيلُ ع مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ ثَمَانُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ الْجَبَّارُ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ بَلِّغْ أُمَّتَكَ أَنَّهُ مَنْ مَاتَ مُفَارِقَ الْجَمَاعَةِ لَا يَجِدُ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ إِنْ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلًا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ لَا أَقْبَلُ مِنْهُ صَرْفاً وَ لَا عَدْلًا يَا مُحَمَّدُ تَارِكُ الْجَمَاعَةِ عِنْدِي مَلْعُونٌ وَ عِنْدَ الْمَلَائِكَةِ مَلْعُونٌ وَ قَدْ لَعَنْتُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ يَا مُحَمَّدُ تَارِكُ الْجَمَاعَةِ يُصْبِحُ وَ يُمْسِي فِي لَعْنَةِ اللَّهِ يَا مُحَمَّدُ تَارِكُ الْجَمَاعَةِ لَا أَسْتَجِيبُ لَهُ دَعْوَةً وَ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ وَ هُمْ يَهُودُ أُمَّتِكَ وَ إِنْ مَرِضُوا فَلَا تَعُدْهُمْ وَ إِنْ مَاتُوا فَلَا تُشَيِّعْ جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ أَبْغَضُ عَلَيَّ مِنْ تَارِكِ الْجَمَاعَةِ يَا مُحَمَّدُ قَدْ أَمَرْتُ كُلَّ ذِي نَفْسٍ وَ رُوحٍ أَنْ يَلْعَنُوا عَلَى تَارِكِ الْجَمَاعَةِ وَ تَارِكُهَا أَشَرُّ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ الْمُحْتَكِرِ وَ أَشَرُّ مِنْ سَفَّاكِ الدِّمَاءِ وَ آكِلِ الرِّبَا وَ تَارِكُ الْجَمَاعَةِ لَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ وَ هُوَ أَشَرُّ مِنَ النَّبَّاشِ وَ الْمُخَنَّثِ وَ أَشَرُّ مِنَ الْقَتَّالِ وَ أَشَرُّ مِنْ شَاهِدِ الزُّورِ يَا مُحَمَّدُ مَنْ مَاتَ مُفَارِقَ الْجَمَاعَةِ أُدْخِلُهُ النَّارَ» (شعیری، ۷۹ـ۸۰): عبدالله بن مسعود روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل نزد من آمدند و همراه هر یک از آنان هشتاد هزار فرشته بود. آنها گفتند: ای محمد خداوند جبار به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: به امت خود

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

ابلاغ کن که هر کس در حالی بمیرد که از جماعت مسلمانان جدا شده باشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد هرچند عمل او از عمل همه اهل زمین بیشتر باشد من نه هیچ عمل مستحب و نه هیچ فدیه و عوضی را از او نمی‌پذیرم. ای محمد! کسی که جماعت را ترک کند نزد من ملعون است و نزد فرشتگان نیز ملعون است و من او را در تورات، انجیل، زبور و فرقان (قرآن) لعنت کرده‌ام. ای محمد ترک‌کنندهٔ جماعت، صبح و شام در لعنت خدا به سر می‌برد. ای محمد! دعای ترک‌کنندهٔ جماعت را مستجاب نمی‌کنم و رحمت خود را بر او نازل نمی‌سازم. آنان یهودیان امت تو هستند؛ اگر بیمار شوند از آنان عیادت مکن و اگر بمیرند در تشییع جنازهٔ آنان شرکت مکن. بر روی زمین هیچ‌کس نزد من منفورتر از ترک‌کنندهٔ جماعت نیست. ای محمد! من به هر صاحب جان و روح فرمان داده‌ام که ترک‌کنندهٔ جماعت را لعنت کند. ترک جماعت از شراب‌خوار و محتکر بدتر است و از خون‌ریز و رباخوار نیز بدتر است. ترک‌کنندهٔ جماعت در بهشت هم هیچ بهره‌ای ندارد و از نبش‌کنندهٔ قبور، از مخنث، از آدمکش و از شاهد کذاب نیز بدتر است. ای محمد! هر کس در حالی بمیرد که از جماعت جدا شده باشد او را وارد آتش دوزخ خواهم کرد.

در این روایتِ شدیدالحن تارکان جماعت (نه منحصراً نماز جماعت) یهودیان امت پیامبر معرفی شده‌اند.

سید نعمت اللّه جزائری (درگذشته ۱۱۱۲ق) در *أنوار النعمانیه* روایتی نقل کرده که شباهت‌ها و نیز تفاوت‌هایی با نقل شعیری دارد. از جمله شباهت‌ها اشاره به یهودیان امت پیامبر است. متن روایت چنین است:

«و قال رسول اللّه اتانی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل مع کل واحد الف ملک فقال یا محمد الجبار یقرئک السّلام و یقول قل لامتک انه من بات مفارقة الجماعة لا یشم رائحة الجنة و ان کان عمله اکبر من اهل الارض لا اقبل منه صرفا و لا عدلا یا محمد تارک الجماعة عندی ملعون و عند الملائکة ملعون و قد لعنته فی التورية و الانجیل و الزبور و الفرقان و تارک الجماعة یصبح و یمسی فی لعنة اللّه تعالی یا محمد تارک الجماعة لا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

استجیب له دعوة و لا انزل علیه رحمة و هم یهود امتک ان ماتوا فلا تشهد جنائزهم و لا یمشی علی وجه الارض ابغض علیّ من تارک الجماعة یا محمد تارک الجماعة قد امرت کل ذی نفس و روح ان یلعنوه و تارکها اشر من شارب الخمر و المحتکر و من سفّاک الدماء و آکل الربوا و تارک الجماعة لیس فی الجنة نصیب و شر من النباش و المخنث و القتات [۱] و شاهد الزور و ادخله النار» (جزایری، ۲۳۵/۲): رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل نزد من آمدند و همراه هر یک از آنان هزار فرشته بود. آنان گفتند: ای محمد خداوند جبار به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: به امت خود بگو که هر کس شبی را در حالی به صبح رساند که از جماعت مسلمانان جدا شده باشد بوی بهشت به او نخواهد رسید هرچند عمل او از عمل اهل زمین بیشتر باشد. من نه هیچ عملی را به عنوان فدیه و نه هیچ عوض و جایگزینی را از او نمی‌پذیرم. ای محمد ترک‌کنندهٔ جماعت نزد من ملعون است و نزد فرشتگان نیز ملعون است و من او را در تورات، انجیل، زبور و قرآن لعنت کرده‌ام. دعای ترک‌کننده جماعت را مستجاب نمی‌کنم و رحمت خود را بر او نازل نمی‌سازم. آنان یهودیان امت تو هستند. اگر بمیرند بر جنازه آنان حاضر مشو. بر روی زمین هیچکس نزد من منفورتر از ترک‌کننده جماعت نیست. ای محمد! درباره ترک‌کننده جماعت به هر صاحب جان و روح فرمان داده‌ام که او را لعنت کنند. ترک جماعت از شراب‌خوار، محتکر، خون‌ریز و رباخوار بدتر است. ترک‌کننده جماعت هیچ بهره‌ای از بهشت ندارد و از کفن‌دزد، مخنث و سخن‌چین و شاهد دروغگو نیز بدتر است و او را وارد آتش دوزخ خواهم کرد.

تویسرکانی (درگذشته ۱۳۲۰ق) در کتاب خود با عنوان *لئالی الأخبار* آورده است:

«و فی بعض نسخ الحدیث قال صلّی اللّه علیه و اله: سلموا علی الیهود و النصاری و لا تسلموا علی یهود امتی فقال یا رسول اللّه من یهود امتک قال الذین یسمعون الاذان و الاقامة و لم یحضروا الجماعة» (تویسرکانی، ۲۰۴/۴): در برخی کتب حدیثی آمده است که پیامبر فرمود: به یهود و نصارا سلام کنید اما به یهودیان امت من سلام نکنید. گفتند ای

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

رسول خدا! یهودیان امت تو چه کسانی هستند؟ فرمود:کسانی کـه صـدای اذان و اقامـه را می‌شنوند اما در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند.

این روایت به دو روایتی که در ابتدای این بخش از اهل سنت نقل شـد بسـیار شـباهت دارد. از قضا این روایت علاوه بر کتبی که روایات مربوط به نماز جماعت و جمعـه را ذکـر کرده‌اند نقل شده است (نکـ : مهری، ۶۴). در سخنرانی‌ها و مواعظی که در این رابطه ایـراد می‌شود نیز بازتاب یافته است[1] به همین جهت در افواه شهرت فراوانی یافته است از این رو ضروری است که اعتبار آن از منظر سندی و محتوایی مورد بررسی قرار گیرد.

٤-١-١. اعتبارسنجی

وجه مشترک تمام روایاتی که در این بخش ارائه شد چه در منابع اهل سنت و چه شیعه آن است که فاقد سندند. به جز روایت منقول توسط شعیری که از عبداللّـه بـن مسـعود بـه عنوان ناقل روایت نام برده شده در هیچ کدام از روایات نـامی از صـحابه و یـا تـابعین بـه عنوان ناقلان روایت وجود ندارد با این حال اساساً سلسله سندی وجود ندارد کـه قابلیـت بررسی سندی داشته باشد. از نگاه برخی چه‌بسا نتوان عنوان حدیث را بر آن نهاد؛ چرا کـه مشخص نیست از چه طریقی در اختیار مؤلف یک کتاب در قرن هفتم به بعـد قـرار گرفتـه است. در بهترین حالت و اگر بتوان عنوان حدیث را به آن اطلاق کرد به جهت مرسل بودن، حدیث ضعیف است. اساساً به نظر می‌رسد چه‌بسا نقل مشهوری بوده کـه در افـواه مطـرح شده است. عنوان کتاب عجلونی که این روایت را نقـل کـرده نیـز بیـانگر اشـتهار روایـات کتابش در میان مردم است: «آشکار کردن پوشیدگی‌ها و زدودن ابهامات از احادیثی که بـر زبان مردم مشهور شده است». نکته قابل توجه در همین راستا اشاره‌ای است که در یکی از کتب سیوطی به یکی از روایات نقل شده توسط عجلونی آمده است. سیوطی که چهار قـرن قبل از عجلونی می‌زیسته در کتاب *الحاوی للفتاوی* در پاسخ بـه پرسشـی کـه در آن از او

---

۱. به عنوان نمونه نکـ : مجتهدی، سایت باشگاه خبرنگاران جوان به آدرس https://www.yjc.ir/00QUp1

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

سؤال شده بود آیا روایت «بر یهود و نصارا سلام کنید ولی بر یهودیان امت من سلام نکنید...» از پیامبر(ص) صادر شده است؟ می‌گوید من چنین حدیثی ندیده‌ام (سیوطی، ۴۱۱/۱). این نشان می‌دهد که قرن‌ها قبل از عجلونی یعنی حتی قبل از دوران سیوطی این روایت در افواه مردم مشهور بوده است و از همین رو اعتبار آن از سیوطی که محدثی مسلط بر منابع حدیثی بوده پرسیده شده است. علاوه بر پاسخ منفی و صریح سیوطی، همین که این حدیث به‌رغم شهرتش در منابع روایی معتبر اعم از متقدم و متأخر نیامده است نشان از آن دارد که مؤلفان این کتب نسبت به صحت آن تردید داشته یا اساساً آن را حدیث نمی‌دانسته‌اند. صاحب کتاب *الموضوعات*، این روایت را در زمره روایات ساختگی فهرست کرده است (صغانی، ۴۱). آیت الله خوئی نیز در پاسخ به یک سؤال پیرامون اعتبار این روایت می‌گویند این روایت اصالت ندارد (خویی، ۱۳۶/۱).

در دو روایتی که در *جامع الأخبار* و *الأنوار النعمانیه* آمده اگرچه شباهت‌هایی دارد و به نظر می‌رسد قالب اصلی آنها یکی است اما تفاوت‌هایی وجود دارد که بیانگر تشتت متنی روایت است. علاوه بر اینکه برخی جملات که در روایت اول وجود دارد در دومی نیامده است تفاوت‌های واژگانی مهمی وجود دارد که در مفهوم آن دو بسیار اثرگذار است از جمله «مات» و «بات» و نیز «القتال» و «القتات». با این حال مهم‌تر از این تفاوت‌ها که در سنت شفاهیِ نقل، معمول است آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است محتوای شدید اللحن آن است که با بسیاری از اصول و مسلمات در تعارض است. اگر مراد از کناره‌گیری از جماعت، دوری از نماز جماعت و مانند آن است توصیفی که به کار رفته و مجازاتی که در نظر گرفته شده اساساً با دیگر روایات و احکام تناسب ندارد. شرکت در نماز جماعت اگرچه فضیلت بسیار دارد و مکرراً به آن توصیه شده است (نک: حر عاملی، ۳۷۱/۴ ـ ۳۷۷) اما اوصافی چون ملعون، منفورترین انسان‌ها، بدتر از رباخوار و آدم‌کش و شاهد کذاب و... . این اقدام را در زمره بزرگترین گناهان کبیره همچون رباخواری و قتل قرار می‌دهد. چگونه ترک امری مستحب موجب مجازاتی بیشتر از قتل، رباخواری، احتکار و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

مانند آن می‌شود؟ در روایات دیگر آمده است که کسی که در نماز جماعت بدون عذر شرکت نکند نماز کاملی نداشته است (صدوق، ۲۹۰) همچنین روایات دیگری نیز در مذمت این کار وارد شده است از جمله شکایت مسجد نزد خدا یا توصیه به محدودکردن رفت و آمد با تارکان جماعت تا ـ در قالب امر به معروف و نهی از منکر ـ متنبه شوند (حر عاملی، ۴ /۴۷۸ ـ ۴۷۹) با این وجود تناسبی با آنچه در دو روایت مزبور آمده است ندارد و از آنجا که روایات دستهٔ دوم دارای سند و متعددند قطعاً بر روایات فاقد سند و منفرد رجحان دارند. از این رو نمی‌توان این روایت را با این دلالت پذیرفت؛ چرا که نماز جماعت، مستحب مؤکد است. البته برخی عنوان کرده‌اند که مراد از این روایت منافقانی هستند که نماز جماعت را از روی عناد ترک می‌کنند (مدرسی، ۹۶/۱). در جمع‌بندی این قسمت می‌توان گفت که این روایات علاوه بر ضعف سند با ادله فراوانی که بر خلاف آن دلالت دارند معارضه دارد. از طرفی ظاهر آن دال بر وجوب همیشگی نماز جماعت است که اساساً در احکام، چنین ضرورتی مطرح نشده است مگر در نمازهای جمعه و نمازهای عید آن هم با شرایط خاص. از سوی دیگر بزرگان مذهب از این روایات اعراض کرده‌اند که خود بیانگر عدم قوت آنهاست. نکتهٔ مهم دیگری که درقالب یک احتمال ـ با فرض صحت صدور حدیث ـ می‌توان مطرح کرد این است که این حکم به صورت قضیهٔ خارجی و مربوط به مورد یا موارد خاصی بوده است و نه قضیه‌ای حقیقی و کلی؛ زیرا مربوط به جماعتی بوده که امامِ آن شخص پیامبر بوده و چه‌بسا در آن شرایط خاص، استمرار ترک جماعت از نشانه‌های نفاق بوده و از این رو حکم به روزگار ما سرایت نمی‌کند. بلکه اگر جماعت در شرایط خاصی هویت اسلام باشد و حضور نیافتن در آن ـ با اعتقاد به عدالت امام ـ موجب وهن اسلام و تقویت باطل شود می‌توان حرمتی مقطعی برای آن قائل شد اما این عنوانی ثانوی و نه به خاطر ترک خود جماعت است (حسینی شیرازی، ۲۹۸/۳ـ۲۹۹).

اگر مراد از دوری از جماعت، فاصله‌گرفتن از مردم و جامعه باشد باز هم اوصاف و مجازات‌های مطرح شده با دیگر روایاتی که در مذمت این نوع کناره‌گیری وارد شده (نک:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

فتاحی، ۱۳ـ۴۱) تناسب ندارد. به عنوان نمونه در نهج البلاغه آمده است که علاء ابن زیاد از برادرش که از دنیا کناره گرفته بود به امام علی (ع) شکایت کرد. امام(ع) فرمود او را بیاورید. وقتی آمد به او فرمود: ای دشمن جان خویش، شیطان تو را سرگردان کرده آیا به زن و فرزندانت رحم نمی‌کنی؟ تو می‌پنداری که خداوند نعمت‌های پاکیزه‌اش را حلال کرده اما دوست ندارد تا از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچکتر از آنی که اینگونه با تو رفتار کند (سیدرضی، خطبه ۲۰۹). این تعبیر اساساً با اوصاف ذکر شده در روایات مورد بحث در مورد تارکان جماعت مطابقت ندارد. بنابر آنچه گفته شد و با عنایت به فقدان سند و ضعف شدید متن نمی‌توان این روایات را از منظر درایةالحدیثی و فقه الحدیثی حائز اعتبار دانست و نقل و ترویج آن پشتوانه کافی ندارد.

٤-۲. پیروان فرق مختلف

در منابع شیعه و سنی احادیثی به چشم می‌خورد که در آن فرقه‌های مختلف با وصف «یهودیان امت من» معرفی شده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین این روایات در منابع فریقین به تفکیک و با رعایت ترتیب تاریخی پرداخته می‌شود:

طبرانی (درگذشته ۳۶۰ق) نقل کرده که پیامبر(ص) فرمود: «حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَرْوَزِيُّ، ثَنَا عَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ، ثَنَا يَحْيَى بْنُ سَابِقٍ، نَا أَبُو حَازِمٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِكُلِّ أُمَّةٍ مَجُوسٌ وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ نَصَارَى وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ يَهُودٌ وَإِنَّ مَجُوسَ أُمَّتِي الْقَدَرِيَّةُ وَ نَصَارَاهُمُ الْخَشَبِيَّةُ وَ يَهُودُهُمُ الْمُرْجِئَةُ» (طبرانی، ۹۳/۹): هر امتی مجوس، نصارا و یهود دارد؛ مجوس امت من قدریه، نصارای آنها خشبیه و یهودیانشان مرجئه هستند.

ثعلبی (درگذشته ۴۲۷ق) در تفسیر خود ذیل آیات ۲۵۳ و ۲۵۴ سوره بقره بحثی مفصل درباره قَدَر مطرح کرده است. در خلال این مباحث روایتی از حضرت علی(ع) نقل کرده که ایشان فرموده است: «لو وجدت رجلا من القدرية لأخذت برقبته فلا أزال أطأ عنقه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

حتّی أکسرها فإنّهم یهود هذه الأمّة و نصاراها و مجوسها» (ثعلبی، ۲۲۶/۲): اگر دستم به یکی از قدریه برسد حتماً گردنش را می‌گیرم و آن‌قدر بر آن می‌کوبم تا بشکنم؛ زیرا آنها یهودیان، مسیحیان و مجوس این امت هستند.

مقدسی شیبانی معروف به ابن قیسرانی (درگذشته ۵۰۷ ق) در کتاب ذخیرة *الحفاظ* آورده است: «ان لکل أمة یهود ویهود أمتِی المرجئة. رَوَاهُ سُلَیْمَان بن أبی کَرِیمَة: عَن خَالِد بن مَیْمُون الْخُرَاسَانِی، عَن الضّحّاک، عَن ابْن عَبّاس» (مقدسی شیبانی، ۴۹۸/۲): هر امتی یهودی دارد و یهودیان امت من مرجئه هستند.

شهرستانی (درگذشتة ۵۴۸ق) در کتاب *الملل و النحل* پس از ارائه این توضیح که پیامبر اسلام(ص) هر گروه گمراه از این امت را به یک امت گمراه از امت‌های پیشین تشبیه کرده است می‌گوید: «القدریة مجوس هذه الأمة و قال: المشبهة یهود هذه الأمة و الروافض نصاراها»: قدریه مجوس این امت هستند، مشبهه یهودیان این امت و روافض ترسایان این امت‌اند» (شهرستانی، ۱۹/۱). او در تفسیر خود نیز عبارتی نزدیک به این روایت را البته بدون اسناد به پیامبر و نیز بدون قسمت آخر یعنی روافض نقل کرده است (شهرستانی، ۵۲۳/۱).

هیثمی (درگذشته ۸۰۷ق) در مجمع *البحرین* از پیامبر عیناً روایتی را نقل می‌کند که طبرانی آورده بود (هیثمی، ۴۰۱/۵). نیشابوری (درگذشتة ۸۵۰ق) در تفسیر خود، عیناً روایتی که شهرستانی آورده بود را نقل کرده است (نیشابوری، ۲۵۲/۱).

متقی هندی (درگذشته ۹۷۵ق) نقل ثعلبی را با تفاوت‌هایی اندک آورده است (متقی هندی، ۳۴۷/۱). سیوطی (درگذشته ۹۱۱ق) روایتی از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: «دو گروه از امت من هستند که شفاعت من به آنها نمی‌رسد: مرجئه وقدریه. قدریه معتقد به جبر نیستند و آنها مجوس این امت هستند و مرجئه بین قول و عمل تفاوت قائل‌اند و آنها یهودیان این امت هستند» (سیوطی، ۴۲۶/۳۱).

در منابع شیعه شیخ حر عاملی روایتی از کتاب کشکول شیخ بهایی نقل می‌کند که پیامبر(ص) فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد مگر اینکه گروهی از امت من ظهور خواهند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

کرد که اسمشان صوفیه است. آنها از من نیستند و یهودیان امتم به شمار می‌آیند. آنها از کافران گمراه‌تر و اهل دوزخ‌اند» (حر عاملی، ۲۶) ملاصدرا در تفسیر خود روایتی مطابق آنچه ثعلبی نقل کرده را آورده است البته به جای روافض، واژه «غلاة» را ذکر کرده است (ملاصدرا، ۲۵۷/۴). از اینکه ملاصدرا شیعه است و روافض را عموماً به شیعه اطلاق می‌کنند می‌توان دلیل این تغییر را دریافت. حیدر آملی نیز عیناً نقل ملاصدرا را تکرار کرده است.(آملی، ۳۱۸/۴). مشابهت الفاظ و جملات ملاصدرا و حیدر آملی با نقل ثعلبی ــ به جز تغییر واژه روافض به غلاة ــ و از طرفی فقدان این نقل و یا مشابه آن در منابع متقدم شیعه نشان می‌دهد که این دو مفسر از منابع اهل سنت نقل حدیث کردند.

٤-۲-۱. اعتبارسنجی

از منظر سندی صرفاً دو روایت از روایات ذکر شده در این بخش دارای سند بوده‌اند. روایت اول توسط طبرانی نقل شده است. در سند این روایت یحیی بن سابق قرار دارد که از منظر رجالیون اهل سنت موثق نیست. صاحب کتاب *الجرح و التعدیل* او را ضعیف شمرده است (ابوحاتم رازی، ۱۵۲/۹). ابن حبان می‌گوید او کسی است که روایات جعلی را از ثقات نقل می‌کند (ابن حبان، ۱۱۴/۳). از این رو ابن جوزی نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان به روایات او استناد کرد (ابن جوزی، ۱۹۵/۳). هیثمی نیز او را ضعیف می‌شمارد (هیثمی، ۲۰۷/۷) نکته قابل توجه اینکه این منابع همین مسیر نقل یعنی نقل علی بن حجر از یحیی بن سابق و او از ابوحازم را نامعتبر معرفی کرده‌اند. حتی خود طبرانی پس از نقل روایت می‌گوید این حدیث را جز یحیی بن سابق کسی از ابوحازم روایت نکرده است (طبرانی، ۹۳/۹).

دومین روایتی که دارای سند است روایتی است که توسط مقدسی در ذخیره *الحفاظ* نقل شده است. در سلسله سند این روایت نیز دست کم یک راوی وجود دارد که تضعیف شده و موجب ضعف روایت می‌شود و آن راوی، سلیمان بن ابی‌کریمه است. ابن عدی می‌گوید

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

بیشتر احادیث او منکر است و من در میان متقدمان سخنی دربارهٔ او نشنیده‌ام و چیزی درباره او نگفته‌اند؛ زیرا حدیثی از او نقل نکرده‌اند (ابن عدی، ۲۵۰/۴). دیگر ضعفی که متوجه این روایت است عدم اتصال سند است؛ چرا که در سلسله راویان آمده است که ضحاک که همان ضحاک بن مزاحم هلالی است روایت را از ابن عباس گرفته و نقل کرده است در حالی که او اساساً ابن عباس را ملاقات نکرده است (عقیلی، ۲۱۸/۲) و صرفاً سعید بن جبیر را ملاقات و تفسیر را از او فرا گرفته است. بنابراین سند با افتادگی و یا با نوعی تلبیس مواجه است و از این لحاظ نیز ضعیف دانسته می‌شود. در برخی منابع همین روایت را مشخصاً به عنوان یکی از روایات منکر او برشمرده‌اند (مقدسی، ۹۴۸/۲؛ هلابی، ۱۳۷). ابن جوزی این روایت را در زمرهٔ روایات موضوع برشمرده است (ابن جوزی، ۲۷۷/۱).

تشتت و عدم انسجام متنی نیز از دیگر نقاط ضعف، البته این بار در متن است. در برخی روایات، قدریه، در برخی دیگر مشبهه و در گروهی مرجئه، یهودیان امت پیامبر(ص) توصیف شده‌اند. این خود نشان می‌دهد که چه بسا اساساً این وصف، ابزاری برای رد و طرد مخالفین بوده است و اساساً از پیامبر اکرم صادر نشده است چنانکه نقل شده شعبی که از تابعین بوده بدون انتساب به پیامبر(ص) گفته است که رافضی‌ها یهودیان این امت هستند (هیتمی، ۳۸۳/۲). دیگران نیز این تعبیر را از شعبی گزارش کرده‌اند (ابن عبد ربه، ۲۴۹/۲). ابن تیمیه هم به مناسبت در خلال مباحث کلامی نقل کرده که جهمیه، صفاتیه را یهودیان این امت توصیف می‌کردند (ابن تیمیه، ۲۱۳/۱۶). این گوناگونی که بسیار نیز به گرایش فکری گوینده این کلام وابسته است یعنی هر شخص یا گروه، مخالفان خود را به این وصف می‌خوانده می‌تواند بیانگر آن باشد که چنین تعبیری اساساً حدیث نبوده و ابزاری برای انزجار محسوب می‌شده است.

دیگر نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که بسیاری از اصطلاحاتی که فرقه‌های مختلف با آن شناخته می‌شوند متأخر از پیامبر اسلام(ص) وضع شده است. در بررسی روایات معتبر نبوی استفاده از اصطلاحاتی چون رافضی، جهمیه، صفاتیه، مرجئه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

و... به‌چشم نمی‌خورد که این احتمال را تقویت می‌کند که این تعابیر پس از دوران پیامبر اسلام(ص) وضع شده است؛ چه اینکه وقتی این تعابیر اساساً مورد استفاده قرار نمی‌گرفته حتی اگر پیامبر(ص) از موضع خبر از آینده چنین الفاظی را به کار ببرد برای مخاطبین این پرسش مطرح می‌شود که مراد از این اصطلاحات چیست درحالی‌که در روایات نبوی چنین پرسش‌ها یا توضیحاتی وجود ندارد.

٤-٣.دشمنان خلفای راشدین

در منابع اهل سنت روایتی وجود دارد که در آن دشمنان خلفای راشدین به‌خصوص ابوبکر و عمر با وصف یهودیان این امت معرفی شده‌اند. این روایت در منابع شیعه نقل نشده است. بررسی نشان می‌دهد که اولین بار خطیب بغدادی این روایت را نقل کرده است:

«أَخْبَرَنِي الأَزْهَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَاذَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَسَرَّةُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو شَاكِرٍ الْخَادِمُ مَوْلَى الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو زُرْعَةَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ الرَّازِيُّ، بِالرَّيِّ سَنَةَ ثَمَانٍ وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ صُهَيْبٍ، عَنْ أَنَسِ ابْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةِ جُمُعَةٍ مِائَةَ أَلْفِ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ إِلا رَجُلانِ فَإِنَّهُمَا دَاخِلانِ فِي أُمَّتِي، تَسَتَّرُوا مِنِّي وَلَيْسَ هُمْ مُنْهُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ لا يَعْتِقُهُمْ فِيمَنْ أَعْتَقَ؛ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ لَيْسُوا مِنْهُمْ هُمْ مَعَ الْكَبَائِرِ فِي طَبَقَتِهِمْ، وَأَنَّهُمْ مُصَفَّدُونَ مَعَ عَبَدَةِ الأَوْثَانِ: مُبْغِضِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَلَيْسَ هُمْ دَاخِلُونَ فِي الإِسْلامِ، وَإِنَّمَا هُمْ يَهُودُ هَذِهِ الأُمَّةِ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مُبْغِضِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَعَلِيٍّ» (خطیب بغدادی، ۳۶۵/۱۵): به درستی که خداوند هر شب جمعه صد هزار دوزخی را از آتش جهنم رهایی می‌بخشد مگر دو گروه که اگرچه در ظاهر مسلمان‌اند اما حقیقت خود را می‌پوشانند و از مؤمنان واقعی نیستند؛ از این رو خداوند آنها را از آتش جهنم رهایی نمی‌بخشد به این خاطر که از مؤمنان واقعی نیستند بلکه در زمره گناهکاران در طبقه خودشان می‌مانند و با بت‌پرستان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

در زنجیر کشیده شده‌اند: دشمنان ابوبکر و عمر و آنها داخل در اسلام نیستند و یهودیان این امت به شمار می‌روند سپس رسول خدا (ص) فرمود: آگاه باشید که لعنت خدا بـر دشـمنان ابوبکر و عمر و عثمان و علی است.

از آنجا که منابع ناقل این روایت پس از خطیب سند و متن این روایت را عیناً از او نقل کرده و بدان تصریح کرده‌اند از ذکر مجدد آن پرهیز می‌شود.

٤-٣-١.اعتبارسنجی

این روایت از سند برخوردار است و راویان بزرگـی نیـز در سلسـله سـند آن بـه چشـم می‌خورند اما خود خطیب بغدادی که این روایت را نقل کرده بـه اعتبارسـنجی آن پرداختـه و روایت را ساختگی می‌داند. وی می‌نویسد: این روایت جعلی است و راویانی کـه در سـند آن ذکر شده‌اند همگی ثقه و امام هستند به جز مسرّة بن عبدالله و بار جعل ایـن حـدیث نیـز بـر عهده اوست؛ زیرا ادعا کرده است که حدیث را در سال ۲۶۸ از ابوزرعه شنیده است در حالی که این سماع، چهار سال پس از مرگ ابوزرعه صورت گرفته است؛ چرا که ابوزرعه در سـال ۲۶۴ در گذشته و در این تاریخ هـیچ اختلافـی وجـود نـدارد (خطیـب بغـدادی، ۳۶۵/۱۵). محدثین بزرگ دیگری نیز این روایت را در زمره روایات ساختگی برشمرده‌اند (ابن جـوزی، ۳۲۴/۱؛ سـیوطی، ۲۸۱/۱؛ شـوکانی، ۳۳۸/۱). مؤلـف *لسـان المیـزان* نیـزاین روایـت را از جعلیات مسره می‌شمارد که به ابوزرعه نسبت داده است (ابن حجر عسقلانی، ۲۰/۶).

اساساً مباحثی این چنین در باب فضایل خلفا و طرد و لعن مخالفان آنها همواره محملی برای جعل روایات بوده (نکـ : میلانی، ۱۵ـ ۹۸) و به اهداف گوناگونی انجام می‌شده اسـت که از جملهٔ آنها می‌توان به برخورد شدید با ناقدان و معترضان به عملکرد آنها اشاره کرد.

٤-٤. قاتلان ذریهٔ پیامبر(ص)

روایاتی این بار فقط در منابع شیعه و به خصوص تفاسیر شیعه نقـل شـده کـه در آنهـا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

قاتلان ذریه پیامبر(ص) با عنوان یهودیان امت اسلام توصیف شده‌اند. در تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) ذیل آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره بقره که در وصف یهودیان است روایتی مفصل آمده است که در بخشی از آن می‌خوانیم:

«قَالَ رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ اَلْآيَةُ فِي اَلْيَهُودِ ، هَؤُلاَءِ اَلْيَهُودِ [اَلَّذِينَ] نَقَضُوا عَهْدَ اَللَّهِ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَ اَللَّهِ، وَ قَتَلُوا أَوْلِيَاءَ اَللَّهِ: أَ فَلاَ أُنَبِّئُكُمْ بِمَنْ يُضَاهِيهِمْ مِنْ يَهُودِ هَذِهِ اَلْأُمَّةِ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اَللَّهِ. قَالَ: قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَنْتَحِلُونَ بِأَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِي، يَقْتُلُونَ أَفَاضِلَ ذُرِّيَّتِي وَ أَطَايِبَ أَرُومَتِي، وَ يُبَدِّلُونَ شَرِيعَتِي وَ سُنَّتِي، وَ يَقْتُلُونَ وَلَدَيَّ اَلْحَسَنَ وَ اَلْحُسَيْنَ كَمَا قَتَلَ أَسْلاَفُ هَؤُلاَءِ اَلْيَهُودِ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى. أَلاَ وَ إِنَّ اَللَّهَ يَلْعَنُهُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ، وَ يَبْعَثُ عَلَى بَقَايَا ذَرَارِيِّهِمْ قَبْلَ يَوْمِ اَلْقِيَامَةِ هَادِياً مَهْدِيّاً مِنْ وُلْدِ اَلْحُسَيْنِ اَلْمَظْلُومِ، يُحَرِّفُهُمْ [بِسُيُوفِ أَوْلِيَائِهِ] إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ« (الإمام العسکری، ۳۶۸ ـ ۳۶۹): زمانی که این آیه در مورد یهودیان ـ که پیمان الهی را شکستند و پیامبران خدا را تکذیب کرده و اولیاء الهی را به قتل رساندند ـ نازل شد فرمود: آیا شما را آگاه نکنم به کسانی از یهودیان این امت که همسان یهودیان هستند؟ گفتند بله ای رسول خدا. فرمود: گروهی از امت من که خود را از اهل ملت من می‌دانند بهترین فرزندان مرا و پاک‌ترین خاندان‌های مرا می‌کشند و شریعت و سنت مرا تغییر می‌دهند و دو فرزندم حسن و حسین را می‌کشند همان‌گونه که پیشینیان این یهود زکریا و یحیی را کشتند. آگاه باشید که خداوند آنان را لعنت می‌کند همانگونه که یهود را لعنت کرد و پیش از روزقیامت بر بازماندگان آنها مهدی از فرزندان حسین مظلوم را برمی‌انگیزد که آنها را با شمشیرهای اولیاء خود به سوی آتش دوزخ هدایت می‌کند.

این روایت در دو تفسیر روایی دیگر یعنی البرهان (بحرانی، ۲۶۸/۱-۲۶۹) و تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۵۴/۱) نیز نقل شده است با این توضیح که روایت البرهان عیناً همان روایت تفسیر منسوب به امام عسکری است اما در تفسیر صافی به همان اندازه که در پاراگراف قبل نقل و ترجمه شد آمده است و از این جهت، روایت کوتاه‌تر است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

٤-٤-١. اعتبارسنجی

همانگونه که از متن روایت هم پیداست سندی برای آن ذکر نشده و از این جهت اساساً قابل بررسی و اعتبارسنجی نیست. از طرفی روایتی متفرد است که فقط در تفسیر منسوب به امام عسکری(ص) آمده و منابع متأخر، از آن کتاب نقل کرده‌اند. اینکه الفاظ و عباراتِ نقل‌های متأخر عیناً مانند روایت منقول در تفسیر منسوب امام عسکری(ع) است نشان می‌دهد که منبع آنها همین کتاب بوده است. بنابراین با روایتی مواجه هستیم که صرفاً در یک کتاب آمده است و بسیاری از منابع تفسیری و حدیثی به‌رغم تقدم این کتاب آن را باز نقل نکرده و یا با سند خود آن را نقل نکرده‌اند افزون بر این پیرامون صحت انتساب این تفسیر به امام حسن عسکری(ع) نیز تردیدهای جدی وجود دارد (نک: لطفی، ۱۲۹ ــ ۱۴۳) و برخی از رجالیون معتقدند این تفسیر به جهت اینکه حاوی برخی از خرافات، اکاذیب و جعلیات است که نه با مسلمات تاریخی و سیره سازگاری دارند و نه با شرع، نمی‌تواند از امام عسکری(ع) صادر شده باشد (خویی، ۱۵۷/۱۳). حتی ابن غضائری این کتاب را جعل سهل دیباجی می‌داند که از پدرش نقل کرده و حاوی احادیث منکر است (ابن غضائری، ۹۸). با این اوصاف نمی‌توان این روایت را از جهت سندی حائز اعتبار و وثاقت کافی دانست ضمن اینکه از جهت متن و شدت لحن موجود و الفاظی چون لعن و آتش دوزخ، شباهت قابل توجهی با روایت ناظر بر تارکان جماعت در منابع شیعه دارد که در صفحات قبل مورد بررسی قرار گرفت.

شایان ذکر است تردیدی نیست که قتلة امام حسین و خاندان مطهر او شقی‌ترین افراد هستند و سخن از عدم اعتبار سندی روایت به معنای نفی این مفهوم نیست لکن رسالت پژوهش حاضر اقتضا می‌کند که این روایات از منظر درایة الحدیثی مورد سنجش قرار گیرند.

نتایج مقاله

روایات موصوف به یهودیان امت پیامبر در یک تقسیم‌بندی کلی به چهار گروه تقسیم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

می‌شوند که در مقام توصیف تارکان جماعت، پیروان فرق مختلف، دشمنان خلفای راشدین و قاتلان ذریة پیامبر هستند.

روایاتی که در آنها تارکان نماز جماعت یهودیان امت پیامبر(ص) معرفی و توصیه شده به آنها سلام نکنید هم در منابع شیعه و هم اهل سنت وارد شده لکن برای آنها سندی ذکر نشده است. به نظر می‌رسد این گفتار در افواه مردم مشهور بوده است و انتساب آن به پیامبر نه تنهاقابل اثبات نیست بلکه دلایلی بر نفی آن نیز وجود دارد. محدثین متعددی آن را فاقد اصل و ساختگی دانسته‌اند.

روایات متعددی وجود دارد که در آن پیروان فرقه‌ای خاص، یهودیان امت پیامبر اسلام(ص) معرفی شده‌اند. این روایات در منابع اهل سنت بیشتر است با این حال یا اساساً فاقد سند هستند یا سند آنها مخدوش است. فرقه‌های مختلفی به این توصیف وصف شده‌اند که خود بیانگر تشتت و تزلزل روایت است و به نظر می‌رسد بیشتر ابزاری برای طرد مخالفان بوده است.

روایتی متفرد و البته دارای سند در منابع اهل سنت وجود دارد که در آن دشمنان خلفای راشدین به ویژه ابوبکر و عمر یهودیان این امت توصیف شده‌اند. محدثین متفق القولند که این روایت جعلی است و سند آن نیز متصل نیست و انتساب آن به پیامبر(ص) منتفی است.

روایتی متفرد و بدون سند در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) نقل شده که در آن قاتلان ذریة پیامبر(ص) یهودیان امت ایشان معرفی شده‌اند. فقدان سند، تفرد و نیز انحصار نقل آن در تفسیر مذکور که از جهت صحت انتساب به امام عسکری(ع) مورد اتفاق نظر نیست موجب ضعف روایت شده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، مدینه، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن جوزی، جمال الدین عبدالرحمان بن علی، الضعفاء و المتروکون، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۴. همو، الموضوعات، مدینه، المکتبة السلفیه، ۱۳۸۶ق.
۵. ابن حبان، محمد بن احمد، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
۶. ابن حجرعسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۷. ابن عبد ربه، ابوعمر شهاب الدین احمد بن محمد، العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن عدی، ابو احمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۹. ابوحاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان بن محمد، الجرح و التعدیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۲۷۱ق.
۱۰. آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحیط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز الحکیم، قم، نورعلی نور، ۱۴۲۲ق.
۱۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، قم، مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۹ق.
۱۲. تویسرکانی، محمد نبی بن احمد، لئالی الأخبار، قم: نشر علامه، ۱۴۱۳ق.
۱۳. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۴. جزائری، سید نعمت‌الله، الأنوار النعمانیه، بیروت، دارالقاری، ۱۴۲۹ق.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، الرسالة الإثنا عشریه فی الرد علی الصوفیه، قم، المطبعة العلمیه، ۱۴۰۰ق.
۱۶. حسینی شیرازی، صادق، بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی، قم، دارالأنصار، ۱۴۲۶ق.
۱۷. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم، المسائل الشرعیه، مؤسسه الخوئی الإسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۹. همو، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، بی‌تا.
۲۰. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، مؤسسه الهجرة، ۱۴۰۷ق
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الحاوی للفتاوی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۲۴ق.
۲۲. همو، اللئالی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۷ق.
۲۳. همو، جامع الأحادیث، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریة، بی‌تا.
۲۵. شوکانی، محمد بن علی، الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۲۶. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق.
۲۷. همو، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، تهران، مرکز الجوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۴۲۹ق.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. صنعانی، حسن بن محمد، الموضوعات، دمشق، دارالمأمون ۱۴۰۵ق.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، قاهره، دارالحرمین، بی‌تا.
۳۱. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفا و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی السنة الناس، قاهره، مکتبة القدسی، ۱۳۵۱ق.
۳۲. عسقلانی، ابن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۳. عقیلی، ابوجعفر محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، بیروت، المکتبة العلمیه، ۱۴۰۴ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]

۳۴. غضائری، احمد بن حسین، کتاب الضعفاء، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
۳۵. فتاحی، زکیه و شهرام پازوکی، «رهبانیت در گستره روایات»، مجله عرفان اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۱ ش.
۳۶. لطفی، سید مهدی، «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره اول، زمستان ۱۳۸۶ش.
۳۷. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۳۸. مدرسی، محمد تقی، الإستفتائات، بیروت، مرکز العصر، ۱۴۲۳ق.
۳۹. مقدسی شیبانی، ابوالفضل محمد بن طاهر، ذخیره الحفاظ، ریاض، دارالسلف، ۱۴۱۶ق.
۴۰. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، نشر بیدار، ۱۳۶۶ ش.
۴۱. مهری، محمد جواد، فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت در دنیا و آخرت، قم، انتشارات انصاری، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. میلانی، علی، احادیث ساختگی: بررسی و نقد احادیثی که در ترتیب خلفا و فضایل آنها آمده است، قم، مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۴۳. نیشابوری، نظام الدین، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۴۴. هلابی، صالح بن سعید، نظرات فی حدیث اصحابی کالنجوم، مدینه، الجامعة الاسلامیه، ۱۳۹۰ق
۴۵. هیتمی، احمد بن محمد، الزواجر عن اقتراف الکبائر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۴۶. هیثمی، نورالدین، مجمع البحرین فی زوائد المعجمین، ریاض، مکتبة الرشد، ۱۴۱۳ق.
۴۷. همو، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، مکتبةالقدسی، ۱۴۱۴ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-25]